| تاریخ دریافت:۱۳۹۹/۷/۱۲ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۹/۹/۲۵ |

نقش غیبت امام عصر (عجل‌الله تعالی فرجه) در دولت‌سازی

محسن مهاجرنیا

استادیار گروه سیاست، پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی. قم. ایران.

Mohajernia99@Yahoo.com

چکیده

اگرچه واژهٔ دانش اصطلاح عامی اســت، دوگانهٔ نص و دانش بیانگر آن اســت که نص از منبع وحی و عصمت تولید شــده اســت و دانش در سامانهٔ عقلی و بشری تکوّن یافته اســت. با غیبت امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) و انقطاع چشــمهٔ جاری نصوص، به دلایل و ضرورت‌های اســتمرار زندگی و بقای رسالت و دین و مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السـلام)، جامعهٔ اسلامی نیازمند تولید دانش‌هایی شد تا براساس آن حیات سیاسی خویش را مدیریت کند. زمینه‌های اعتقادی و باورهای دینی اهالی اندیشــه را به سمت بازسازی ارشادات دینی درخصوص سبک زندگی و الگوی رفتاری جدید رهنمون کرد، اما بسترهای تاریخی و شرایط سیاسی عینی مســیر ناهمواری را فراروی آن‌ها قرار داد. تزاحم الگــوی مطلوب آن‌ها با الگوی نامطلــوب مخالفان، مباحث و منازعات فراوانی را به‌وجود آورد و به تبع آن تبدیل بــه هنجارهای رایج و ایدئولوژیک در جامعه شــد. در چنین شــرایط پیچیده‌ای، متفکران می‌بایســت با تصرف در آن‌ها و بازسازی الگوی مطلوب خویش سبک زندگی سیاســی را در قالب نظام مطلوب عصر غیبت بازســازی می‌کردند. تلاش موفقیت‌آمیز آن‌ها زمانی به ثمر نشســت که توانســتند با بازشناســی و بازخوانی نصوص غیبت و اجتهاد در منابع، دو دانش جدید با عنوان «نص‌شناســی» و «فقه سیاســی» را تولید کنند و براساس آن‌ها الگوی «دولت نیابت» و «ولایت فقیه» را استنباط کنند و با ضرورت زمانه تطبیق دهند. اندیشه‌ورزی آن‌ها در چنین شرایطی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

سـبب شـد تا در دو حوزهٔ «باورها» و «عقلانیت» هم دو دانش «کلام سیاسی» و «فلسـفهٔ سیاسـی» تکوّن یابند و در سـایهٔ عنصر غیبت به کمک نصوص و فقه سیاسـی بشـتابند و با تمرکز بر ولایت فقیه، مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) را از میان چالش‌های دشوار و آزمون‌های سخت عبور دهند.

کلیدواژه‌ها: دانش سیاسی، فلسفهٔ سیاسی، فقه سیاسی، کلام سیاسی، غیبت امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه).

مقدمه

به باور این نوشـتار، امامت جوهرهٔ سیاست شیعی و فرانگارهٔ حاکم بر دانش و گفتمان‌های سیاسی آن است. خوانش دانش سیاسی شـیعه در چهارچوب این پارادایم قرائت خاصی از سیاست‌ورزی را ارائـه می‌دهد؛ به‌ویژه آنکه مهم‌ترین نیاز مبرم امـروز ما مقولهٔ تحول، نوآوری و نظریه‌پردازی در علوم انسـانی و اسلامی است. یکی از راه‌حل‌های نیل به این مقصود بهره‌گیری از آستانه‌های تکوّن و پرسـش‌های زمینه‌ای و زمانه‌ای دانش‌هاست. از این طریق می‌توان به فهم درستی از ظرفیت‌های موجود و افق‌های فراروی دانش سیاسـی شیعه در دورهٔ معاصر دست یافت. تحقیق حاضر درصدد اسـت تا با کنکاش در اولین تجربهٔ تکوّن دانش سیاسـی در دو سدهٔ آغازین عصر غیبت امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه)، رمز و راز گذار از نص به دانش را کشـف کند و نشـان دهد که چگونه با گذشت قرن‌ها، اندیشهٔ سیاسی شـیعه هنوز هویت خود را در سایهٔ فرانگارهٔ غیبت بازیابی می‌کند و در دورهٔ معاصر، به‌رغم چالش‌ها و تعارض‌ها با اندیشـه‌های رقیب و رویکردهای مدرن، توانسته است ارتباط خود را با سامانهٔ پارادایمی غیبت، حفظ و تقویت کند و بسیاری از ظرفیت‌های نوشکفته را بروز دهد و در میان ترافیک سنگین اندیشهٔ سیاسی رقیبان و ضرورت‌ها و مسائل نوپیدای فراوان، استعداد پرداختن به نظریات نوین را سرلوحهٔ خود قرار دهد و مدعی کشف و نوآوری شود.

تحقیق نسبت‌سـنجی میان نص و دانش با غایب‌شـدن امام دوازدهم (عجل‌اللّه تعالی فرجه)، حیات سیاسـی شیعه را به دو بخش حضور و غیبت تقسیم کرده است؛ دورهٔ حضور در باور شیعه، دورهٔ کمال و عصمت و علم و درایت اسـت. در مقابل، دورهٔ غیبت عصر مشحون به نقص، خطا و تردید است. در دورهٔ نخست اندیشهٔ سیاسی شـیعه بر پایهٔ «نصوص» و دورهٔ دوم براساس «قرائت نصوص» شـکل گرفته است. بالطبع نصوص، منتسب به دین و وحی هستند و قرائت‌ها، معرفت و دانش بشری هستند. نتیجهٔ قهری این دوگانگی آن است که مجموعهٔ اندیشهٔ سیاسی شامل دو مرحلهٔ نص‌محوری و دانش‌محوری اسـت. سـامانهٔ نص‌محوری تحت مشیّت و ارادهٔ تشریعی خداوند و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

اولیای الهی اســت و گفت‌وگو درباب آن در مســتوای مباحث اعتقادی و مکتبی است، اما در دورهٔ پسانصی، گذار از سرچشــمهٔ وحی و معصومان، عقل اجتهادی عالمان و متکلمان و فقیهان نقش بازتولید و بازســازی نصوص را بر عهــده گرفت و به باور ما اولین گام‌های تولید «دانش سیاســی شیعه» در فردای غیبت شکل گرفت.

ســؤال اساسی تحقیق آن است که چه نســبتی میان دانش سیاسی شکل‌گرفته با ماجرای غیبت امــام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) وجــود دارد؟ آیا فرایند تکوّن دانش یادشــده به‌مثابه یک روند طبیعی، صرفاً در ظرف زمان غیبت شــکل گرفته است و یا تحت‌تأثیر غیبت سامان یافته است؟ آیا اگر غیبت اتفاق نمی‌افتاد، امروز شاهد دانش سیاسی موجود شیعه نبودیم؟

رویکرد این تحقیق براســاس چهارچوب نظــری هرمنوتیک قصدگــرای زمینه‌محور با روش اســکینری به دنبال آن است تا نشان دهد شــرایط و زمینه‌های فکری و عملی آغاز عصر غیبت در فهم عالمان شــیعی از حادثهٔ غیبت و مســئلهٔ جانشــینی به‌گونه‌ای بود که همهٔ ذهن و زبانشان در خدمت مواجهه با هنجارهای مرسومی بود که پیرامون دو الگوی رفتاری و سیاسی موجود نامطلوب «حاکمیت دولت عباســیان» و الگوی مطلوب غیرموجود «دولت نیابــی از امام زمان (عجل‌اللّه تعالی فرجه)» تکوین یافته بود. آن‌ها توانســتند با تصرف در آن هنجارها و بازسازی مطلوبیت‌های سیاســی در سبک زندگی دینی، ســامانهٔ اندیشهٔ سیاسی شــیعه را طراحی و تثبیت کنند. فهم دقیق اندیشــهٔ سیاسی متفکران و قصد آن‌ها در ارائهٔ گونهٔ خاصی از تفکر، که در متون و آثار سیاسی آن‌ها به‌جای مانده اســت، نیازمند اکتشاف همهٔ عناصر تأثیرگذار در یک فرایند چهارسطحی است. ابتدا باید زمینه‌های اعتقادی و شــرایط سیاسی تأثیرگذار بر فکر آن‌ها را بررسی کرد؛ سپس باید الگوها و ســبک زندگی سیاسی آن دوران شناسایی شود تا در مرحلهٔ سوم هنجارهای رایج پیرامون آن الگوها را به‌درستی تشخیص داد و نوع موضع‌گیری ایدئولوژیک عالمان را در آن فضای هنجاری و سیاسی شــناخت تا نسبت آن‌ها را با الگوهای ســبک زندگی سیاسی و نوع تصرف آن‌ها در آن الگوها را در مرحلهٔ چهارم دریافت و در نهایت، عیارِ نظریهٔ سیاســی و وزن علمی آن را به لحاظ منطقی و زبانی کشــف کرد. براساس این فرایند معرفت‌شــناختی، ادعای تحقیق حاضر این است که عالمان دورهٔ صدر غیبت با درک آگاهانه از نصوص نیابت و متأثر از ماجرای غیبت، سبک زندگی سیاسی شیعه را در قالب چهارچوب نیابت فقیه و نظم سیاسی «ولایت عامهٔ فقیه» بازسازی کردند.

در ادامه، مقاله مســئولیت خویش می‌داند تا در عصر خیزش و نهضت نرم‌افزاری تولید دانش دینی، نقش غیبت امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) را در سه موضوع اساسی به شرح زیر ارزیابی کند و ارائه دهد:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

نقش غیبت در تکوّن چهار دانش سیاسی «نص‌شناسی سیاسی»، «کلام سیاسی»، «فقه سیاسی» و «فلسفهٔ سیاسی»؛

تلاقی دانش‌های سیاسی بر دولت نیابتی ولایت فقیه؛

دولت‌سازی در مدل‌های چهارگانهٔ استکمالی: «مدل دولت در دولت شیخ مفید»، «مدل دولت تلفیقی محقق کرکی»، «مدل دولت مشروط محقق نائینی»، «مدل ولایت مطلق فقیه».

نقش غیبت در تکوّن چهار دانش سیاسی

برمبنای چهارچوب نظری و روش تحقیق در آغاز دورهٔ غیبت، زمینه‌های ذهنی و فرهنگی یعنی مبانی مکتبی و روایاتی، که تکلیف سبک زندگی سیاسی مؤمنانهٔ عصر غیبت را معین کرده بود، در مستوای گفتمانی یک الگوی مطلوب و یک الگوی نامطلوب صورت‌بندی شده بود؛ از یک‌سو، نظم سیاسی نیابی فقیه محور مطلوب را توصیه می‌کرد و ازطرف دیگر، بر فقدان صلاحیت و مشروعیت نظم سیاسی جائرانه تأکید داشت. مواجههٔ زمینه‌های یادشده با شرایط دشوار سیاسی و اجتماعی آستانهٔ غیبت، عالمان شیعی را با دو الگوی رفتاری مواجه کرد. آن‌ها می‌بایست با درک واقعیت‌های موجود به ارزیابی هنجارهای مرسوم سیاسی پیرامون الگوهای مطلوب و نامطلوب مبادرت می‌کردند و با تصرف و بازسازی در آن‌ها، اندیشهٔ سیاسی خود را ارائه می‌دادند. حاصل این تلاش‌ها به تولید چهار «دانش اسلامی» منتهی شد که در ادامه خواهد آمد.

۱. دانش نص‌شناسی سیاسی

شرایط بحرانی آستانهٔ غیبت امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) مهم‌ترین مأموریت عالمان را بر حفظ تراث ائمه متمرکز کرد تا با درک موقعیت مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، تلاش محدثان بزرگ مصروف بازشناسی و بازسازی میراث علمی و منابع هویتی و مکتبی شود. این تلاش احیاگرایانه به تولید و گسترش دانشی به نام درایةالحدیث و «حدیث‌شناسی» و «نص‌شناسی» منجر شد.

«بحران غیبت» نیاز امامیه را به استحکام‌سازی در همهٔ رویکردهای بینشی، اعتقادی، رفتاری، منشی و اخلاقی بر پایهٔ نصوص، مضاعف کرده بود و پیوند ذاتی آموزه‌های تشیع با سیاست سایهٔ سنگینی بر انگیزه‌ها و محتوای نهضت نص‌گرایی انداخته بود؛ به‌طوری که آن را به جریانی انقلابی و عقلانی براساس مصالح مکتب تبدیل کرده بود.

با این تلاش‌ها، دانشی بر محور احادیث و نصوص درحال تکوّن بود که حاصل آن بازسازی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

باورهای کلان سیاسی، ترسیم راهبردهای سیاسی تشیع و ارائهٔ راهکارهایی برای برون‌رفت از تنگناهای آن زمان بود.

این نهضت شامل اعتقادات، اخلاقیات، عبادات، معاملات و سیاسیات بود. متفکران نص‌گرای آغاز عصر غیبت با درک این مهم که محور و مدار زندگی هنوز بر «نصوص» استوار است، به دسته‌بندی و تبویب مفاهیم اساسی و اصول سیاست در قالب ابواب «اثبات حجت و ولایت»، «ولایت ائمهٔ اطهار (علیهم‌السلام)»، «ولایت فقها در عصر غیبت»، «لزوم اطاعت از امام»، «نفی طاغوت» و «حجیت عقل» اقدام کردند تا نصوص را در بستر سبک زندگی فردی و اجتماعی قرار دهند و فداکارانه، مبانی و منابع تأملات متفکران بعدی در گرایش‌های معرفت سیاسی را فراهم کنند.

۲. دانش فقه سیاسی

بعد از احیای متون در نهضت علمی نص‌شناسی، دانش فقه عموماً و فقه سیاسی خصوصاً اولین دانش اسلامی تولیدی است که در امتداد نص، برای سامان‌بخشیدن به زندگی اجتماعی و ترسیم زندگی شهروندی و شهریاری براساس استنباط از نصوص پا به میدان معرفت بشری گذاشت؛ بنابراین، فقه سیاسی به دلایل زیر محصول مستقیم غیبت امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) و شرایط بحرانی پس از آن است. به دلیل فقدان امام در عینیت جامعه و انقطاع تولیدات نصوص و وجود روایات متناقض، متعارض و فقدان نص در پاره‌ای از امور، تکوّن چنین دانشی ضروری می‌نمود.

- دستورات و ارشادات ائمه (علیهم‌السلام) به چگونگی استفاده از روایات در شرایط حضور دستور مستقیم ائمه (علیهم‌السلام) و امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) به مرجعیت فقیهان و حجیت‌بخشی به نیابت و ولایت سیاسی آن‌ها و الزام عوام در مراجعه به ایشان؛
- استفاده از تجربهٔ تولید فقه سیاسی اهل سنت در غیبت پیامبر (صلّی‌الله علیه و آله و سلم) و اصحاب و رؤسای مذاهب؛
- لزوم تعیین تکلیف شیعیان نسبت‌به مسائل مستحدثه و حوادث واقعه ازطریق اجتهاد؛
- امکان‌پذیر بودن ضرورت فهم، حفظ و گسترش مکتب در عصر غیبت تنها با اجتهاد و استنباط.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

۳. دانش فلسفهٔ سیاسی

همان‌طـــور که بحران غیبت امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) عاملی شـــد تا دانش نص‌شناســـی سیاســـی برای احیای تراث و دانش کلام سیاســـی برای دفاع از باورهای سیاسی و هویت مکتبی و دانش فقه سیاســـی برای اجتهاد و استنباط وظایف سیاســـی تکوّن یافتند، فلسفهٔ سیاسی هم دانش نوظهوری بود که توســـط جمعی از عالمان شـــیعی برای دفاع از سنت سیاسی اسلام بازسازی شد. مؤسس دانش فلسفهٔ سیاسی اسلام، تحت‌تأثیر حادثهٔ غیبت، به ترسیم مدینهٔ فاضله‌ای اقدام کرد که بعد از غیبت «رئیس مماثل» یعنی امام معصوم (علیه‌الســـلام)، ولایت در انحصار «رئیس سنت» یعنی فقیه جامع‌الشـــرایط است (مهاجرنیا، ۱۳۷۷). فارابی با اســـتدلال فلسفی ادامهٔ مکتب ائمهٔ ابرار (علیهم‌الســـلام) را در اجتهاد فقهی و رهبری فقیهانه دانست و با ارجاع به دانش فقه سیاسی، فلسفهٔ سیاســـی را در خدمت تبیین ضرورت‌های معرفتی مدینهٔ فاضلهٔ فقیه‌محور عصر غیبت امام (عجل‌اللّه تعالی فرجه) قرار داد.

۴. دانش کلام سیاسی

دانش کلام سیاسی بخشی از کلام اسلامی است که پیرامون اراده، فعل و جعل الهی در باب حیات سیاســـی بحث می‌کند. این دانش از آغاز بـــر محور بحران خلافت و امامت در جامعهٔ اســـلامی تکوّن یافته اســـت. تمرکز کلام سیاسی به‌صورت سنتی در مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بر تبیین جایگاه و مشروعیت الهی امامان دوازده‌گانه بود. در عصر غیبت امام زمان (عجل‌اللّه تعالی فرجه) ضرورت حفظ و اســـتمرار جامعیت دین دغدغهٔ اصلی متکلمان شد. موضوع «نیابت» و جانشینی امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) و تبیین وظایف اجتماعی شیعیان موردتوجه قرار گرفت و «کلام سیاسی» حســـب شرایط غیبت بر پایهٔ عقلانیت دینی نوین بازســـازی شد. مکتب کلامی شیعه به دلیل جایگاه گفتمانی خود از ابتدا صبغهٔ سیاسی خود را در رقابت با مکاتب دیگر، که نوعاً با قدرت سیاســـی حاکمان همراه بودند، حفظ کرد و موضوع امامت و رهبری سیاسی جامعهٔ اسلامی در آن همواره مقوله‌ای واقعی، هویتی و انضمامی بر ذهن و رفتار سیاسی متکلمان شیعی حاکم بود.

موضوع نقش غیبت در تولید چهار دانش سیاسی یادشده و چگونگی تعامل میان آن‌ها و تلاقی آن‌ها بر دولت ولایی عصر غیبت (مهاجرنیا، ۱۳۹۷) پیش از این موردتوجه نگارنده بوده است.

تلاقی دانش‌های سیاسی بر دولت‌سازی در غیبت امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه)

دانش‌های سیاســـی چهارگانهٔ آغاز عصر غیبت، دولت پیامبر (صلی‌اللّه علیه و آله و سلم) را متولی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

دین و دنیا (شـــیخ مفید، ۱۴۱۳: صص۳۳ـ۳۰) و دولت امامت را «رئاســـه عامه فی امور الدین و الدنیا نیابه عن النبی (صلی‌اللّه علیه و آله و ســـلم)» (شـــیخ مفید، ۱۴۱۴ج: ص ۳۹) دانسته‌اند و براساس نصوص دینی و ضرورت عقلی اســـتمرار دین و هدایت، اعتقاد به جانشینی فقیهان دولت «نیابت عام» را بدون تعطیلی مطرح کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۵: ص ۳).

نظم سیاســـی نیابتی یگانه مبنای مورد تسالم فقیهان، متکلمان و فیلسوفان برمبنای آماده‌سازی محدثان بوده است. «دولت‌ســـازی» جدید در آستانهٔ عصر غیبت با حجم گسترده‌ای از ادبیات در قالب واژگانی بیانگر آن اســـت که این دولت در پارادایم غیبت امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) و اعتقاد به حجیت و «مشـــروعیت تبعی» آن اســـت. عبارات زیر بیانگر آن است که در عصر غیبت، الگوی نیابت در قالب «ولایت فقها»، به‌مثابه پیش‌فرض قطعی و الگوی مقبول در جامعهٔ اســـلامی مورد توافق همهٔ عالمان دینی بوده است:

«المأذون من جهه صاحب الامر» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ص ۸۱۰)؛ «الولایة فی جمیع ما لنیابة فیه مدخل» (محقق کرکی، ۱۴۰۹: ص ۱۴۲)؛ «ان یتولّوا مَاتولاّه السلطان» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ص ۶۷۵)؛ «من الیه الحکم بِحق النّیابة»، «من له الولایة علی شـــؤون العامه» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۱: ص ۱۸۴)؛ «المنصوب للمصالح العامه» (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ص ۴۲۷)؛ «انهم نواب الامام (علیه‌الســـلام)» (حلی، ۱۴۱۲، ج ۵: ص ۴۱)؛ «النائب عن ولی الامر (علیه‌السلام)» (ابن ادریس، ۱۳۹۰، ج ۳: ص ۵۳۸)؛ «الائمة قد فوضوا النظر فیه الی فقهاء شـــیعتهم» (شـــیخ مفید، ۱۴۱۳: ص ۸۱۰)؛ «المنصـــوب من قبل الامام (علیه‌الســـلام)» (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ص ۲۵۳)؛ «الولایه من قبلهم» (همان)؛ «المتصرّف بامرهم» (همان)؛ «النیابة المجعولة» (کاشـــف الغطاء، بی‌تا: ص ۵۴).

گزاره‌های یادشده نشانگر آن است که «دولت‌ســـازی» نیابی اصل موضوعهٔ اعتقادی و کلامی مســـلم فرض بوده اســـت؛ تا آنجا که بســـیاری از فقیهان بزرگ ابتدا به زمینه‌های اعتقادی آن اشاره کرده‌انـــد و ســـپس به تبیین وظایف و مســـئولیت‌های فقیـــه و تکالیف مردم در قبـــال آن‌ها اهتمام ورزیده‌انـــد. این باور قطعی به نیابت فقیه تا آنجاســـت که متکلم و فقیه معاصر بر این باور اســـت کـــه حتی اگر هیچ روایت فقهی‌ای هم در کار نباشـــد، به لحاظ اعتقادی و عقلی «هر کس عقاید و احکام اسلام را، حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد (همانند امامـــت)، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد دید (امام خمینی، ۱۳۷۵: ص ۳). این رویکرد سیاســـی در انحصار دانش کلام سیاســـی نماند. علاوه‌بـــر «فقه اکبر» و «فقه اصغر»، فلســـفهٔ سیاســـی هم اعتقادات سیاسی در باب دولت‌ســـازی و نیابت در عصر غیبت امام

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) را به‌طور گسترده مطرح کرد و موضوعاتی نظیر نقش دین و توحید در ساخت قدرت و جامعه و مدینهٔ فاضله، رفتار مؤمنان، رسالت، امامت، مشروعیت حکومت نبوی و علوی و دولت جهانی مهدویت را در قالب اصطلاحات فلسفی عرضه کرد (مهاجرنیا، ۱۳۸۰ب: صص ۱۳۱ـ۱۱۹).

حکیم شیعی ابونصر فارابی در ادامهٔ دو الگوی سیاسی دولت فاضله، یعنی «نظم رئیس اول یا نظم سیاسی نبوی» و «نظم رئیس مماثل یا نظم سیاسی امامت»، نظم سیاسی جدیدی با عنوان «نظم سیاسی رئیس سنت یا ولایت فقیه» مطرح کرد (مهاجرنیا، ۱۳۸۰الف: ص ۲۳۹). فارابی در تبیین ضرورت دولت و ریاست می‌گوید: «رئیس المدینه الفاضله لیس یمکن ان یکون ای انسان اتفق» (فارابی، ۱۹۹۱: ص ۱۲۲)؛ ازاین‌رو، رئیس سنت و ولایت فقیه را «دولت تبعی»، «غیرمماثل»، «حافظ سنت»، «عامل سنت»، «مستنبط احکام امور مستحدثه و غیرمصرحه و غیرمقدره» و «ریاست سنت» معرفی می‌کند (فارابی، ۱۹۶۷م: ص ۵۰) و در تعریف آن می‌گوید: «نوعی از رهبری است که در زمان فقدان رئیس اول و رئیس مماثل، رهبری جامعه را به‌عهده می‌گیرد و سیره و سنت و شریعت گذشته را تثبیت و تحکیم می‌کند و براساس آن نیازهای زمان خویش را استنباط و جامعه را به‌سوی سعادت هدایت و ارشاد می‌کند» (فارابی، ۱۹۶۴: ص ۸۱).

فارابی با بیان وظایف و مسئولیت‌های پانزده‌گانه (مهاجرنیا، ۱۳۹۷) برای دولت سنت، ویژگی‌ها و شرایطی را هم برای آن بیان می‌کند.

شرایط دولت سنت

۱. دولت سنت، دولت حکمت است.

۲. دولت سنت، دولت فقاهت است (فارابی، ۱۹۶۷م: صص ۵۱ـ۵۰)؛ بنابراین، باید متصف به الزامات هشت‌گانهٔ زیر باشد:

۲ـ۱. شریعت‌شناس،

۲ـ۲. شناخت مقتضیات زمان وضع شریعت،

۲ـ۳. شناخت ناسخ و منسوخ در شریعت،

۲ـ۴. آشنایی با ادبیات و زبان رئیس اول،

۲ـ۵. آشنایی با عرف و عادات زمان رئیس اول،

۲ـ۶. آشنایی با استعمالات و استعارات زمان رئیس اول،

۲ـ۷. شناخت مشهورات زمان خطاب،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

۲ـ۸. آشنایی با روایت و درایت.

۳. دولت سنت مبتنی‌بر دین خاتم است (فارابی، ۱۳۴۸: ص ۷۱).

۴. دولت سنت متناسب با اقتضای زمان است (فارابی، ۱۹۶۷: ص ۵۰).

۵. دولت سنت دولت هدایت است (فارابی، ۱۴۰۳: صص ۸۳ـ۷۷).

۶. دولت سنت دولت جهاد است (فارابی، ۱۹۹۱م: ص ۱۲۷).

علاوه‌بر شرایط شش‌گانهٔ یادشـــده برای رئیس دولت سنت، شانزده ویژگی طبعی هم ذکر شده است (مهاجرنیا، ۱۳۸۰الف: ص ۲۴۰). در فلسفهٔ سیاسی فارابی، تبیین رئیس اول و رئیس مماثل به دلیل برخورداری از شـــرط حکمت، در محدودهٔ فلسفهٔ سیاسی و کلام سیاسی باقی مانده است، اما حوزهٔ تبیین ولایت فقیه در مقام ریاســـت تابعه غیرمماثل به «فقه مدنی» واگذار شـــده اســـت (مهاجرنیا، ۱۳۸۰ب: ص ۱۴۸).

فرایند دولت‌سازی در گسترهٔ غیبت

ادبیات سیاســـی غیبت مهم‌ترین دغدغهٔ مکتبی و اساسی‌ترین حلقهٔ ارتباطی میان دو دورهٔ حضور و غیبت را در قالب «دولت ولایی نیابتی»معرفی کرده اســـت. به همین دلیل با نقبی به پشـــت احکام فقهی، می‌توان به مبانی کلامی هر مســـئلهٔ فقهی دســـت یافت. در مقولهٔ ولایت فقیه، بســـیاری از فقیهـــان با تفطن به جایگاه کلامـــی آن، ابتدا به اصل حاکمیت مطلق و انحصاری خداوند اشـــاره می‌کنند که هیچ‌کس غیر از خدا حاکمیت ندارد و خداوند برای اجرای این حاکمیت ابتدا به رسول مکرم اســـلام (صلی‌اللّه علیه و آله و سلم) اذن حکومت داده است و این اجازه ازطریق او به امامان معصوم رســـیده است و در دورهٔ غیبت امام دوازدهم (عجل‌اللّه تعالی فرجه) برای هدایت و رهبری جامعه به فقیهان واجد شـــرایط به‌نحو عام، اجازهٔ ولایت و رهبری تفویض شده است. آن‌ها بعد از بیان این فرایند کلامی، وارد شرایط فقهی و قلمرو اختیارات فقیه می‌شوند. (شیخ انصاری، ۱۳۷۲، ج۲: ص۳۴).

بررســـی‌های تاریخی نشان می‌دهد به موازات تحول شـــرایط سیاسی، رویکردهای متکلمانه و فقیهانه به نظریهٔ ولایت فقیه نیز دچار تطور شده‌اند. چهار نسل از رویکردهای فیلسوفانه، متکلمانه و فقیهانه حاصل این تطور اســـت. در ادامه، به چهار نســـل الگوی «دولت‌سازی» در سایهٔ پارادایم غیبت در چهارچوب «ولایت فقیه» اشاره می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

۱. نسل اول دولت‌سازی در عصر غیبت

فضای سنگین فکری و سیاسی دورهٔ غیبت صغرای امام زمان (عجل‌اللّه تعالی فرجه) که به عصر تحیّر و سرگردانی معروف شده است، برای عالمان شیعی احساس خطری نسبت‌به بقای مکتب به‌وجود آورده بود و در شرایط دشوار خفقان دولت فاسد عباسی، به فکر تعیین مصداق جانشینی از امام معصوم در چهارچوب «ولایت فقیه» برآمدند. شیخ مفید اولین متکلم و فقیهی است که بر مشروعیت انحصار دولت ولایی منصوب از ناحیهٔ ائمه (علیهم‌السلام) تصریح می‌کند: «من نصبوه لذلک من الامراء و الحکام، و قد فوضواالنظرفیه الی فقهاء شیعتهم مع الامکان» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ص ۸۱۰). او در عصر غیبت و حیرت، مسئولیت هدایت و رهبری جامعهٔ اسلامی را متوجه فقیهان می‌داند که در شرایط استبداد حاکمان جور باید به مسئولیت خود عمل کنند. ایشان با عنایت به زمینهٔ ذهنی و اعتقادی به ضرورت ولایت فقیه و با عنایت به شرایط دشوار سیاسی امتناع تحقق آن، «نظریهٔ دولت در دولت» را راه علاج بحران جانشینی معرفی می‌کند. او به‌رغم فتوای قبلی خود درمورد حرمت تعامل با سلاطین جور، براساس اصل ضرورت قدر مقدور در حفظ مکتب، به حضور فقیهان در درون دولت جائر عباسی فتوا می‌دهد و تعامل با آن را مشروع می‌داند و با شجاعت آن را از ناحیهٔ امام عصر (عجل‌الله تعالی) اعلام می‌کند. «من تأمّر علی النّاس من اهل الحق بتمکین ظالم له، و کان امیراً من قِبَله فی ظاهرِالحال، فانّما هو امیرٌ فی الحقیقةِ مِن قِبل صاحبِ الأمر(ع)، الذّی سوّغه ذلک و اذن له فیه» (همان: ص ۸۱۲). با پذیرش این «مبنای کلام سیاسی» که فقیه می‌تواند در حاشیهٔ سلاطین جور ازطرف امام معصوم (علیه‌السلام) مشروعیت داشته باشد، باب فقهی گسترده‌ای برای ولایت فقها باز شد که شاگردان شیخ مفید آن را تقویت کردند و به مدت شش قرن تا دورهٔ صفویان در ایران، مبنای اعتقادی و فقهی در سبک زندگی سیاسی تشیع بود. برای تقویت همین مبنای شیخ مفید بود که سید مرتضی کتاب العمل مع السلطان را نگاشت. آنچه در این رویکرد قابل توجه است، ترسیم جایگاه ولایت فقیه و مسئولیت‌های الهی آن در چهارچوب فراانگارهٔ نظام امامت و تأکید بر مشروعیت ولایت فقیه به‌مثابه «مجعول الهی» و «فعل الهی» ازسوی صاحب‌الامر (عجل‌الله تعالی) است.

۲. نسل دوم دولت‌سازی در عصر غیبت

تجربه شش‌صدسالهٔ حاکمیت نظریهٔ «مشروعیت ولایت فقیه در حاشیهٔ سلاطین جور»، با روی کار آمدن سلسلهٔ شیعی صفوی، وارد فاز جدیدی شد. شاهان صفوی از فقهای بزرگ برای مشارکت در حکومت و ولایت دعوت کردند. محقق کرکی اولین فقیهی است که دعوت آن‌ها را پذیرفت و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

با اســتدلال عقلی و اعتقادی ضرورت رهبری سیاسی در قالب «ولایت فقیه» را تبیین کرد (محقق کرکی، بی‌تا: ص ۴۷). او با تدوین کتاب جامع المقاصد، اعلام کرد که «فان الفقیه المأمون الجامع لشــرایط الفتوی منصوب من قبل الامام». فقیه جامع‌الشــرایط به لحاظ «اعتقادی» از ناحیهٔ امام معصوم (علیه‌السلام) منصوب اســت و به لحاظ «فقهی» یاری او برای تشکیل حکومت اسلامی واجب اســت (محقق کرکــی، ۱۴۰۸ ق: ص ۳۷۱). کرکی با انگیزهٔ دولت‌ســازی، پذیرش نظریهٔ دولت تلفیقی «فقیه‌ـسـلطان عادل مأذون»، رویکرد اعتقادی و فقهی جدیدی به اصل ولایت فقیه به‌مثابه نایب امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) تأســیس کرد. او به لحاظ کلامی و اعتقادی، برای خود مشروعیت سیاسی مستقل از شاهان صفوی قائل بود (محقق کرکی، ۱۴۰۹ ق: ص ۱۴۲). اما به دلیل شرایط سیاسی، به لحاظ فقهی با شاهان صفوی تعامل داشت.

این رویکرد کلامی و اعتقادی در باب جایگاه ولایت فقیه، مورد پذیرش ســلاطین صفوی قرار گرفت و آن‌ها مشــروعیت قدرت سیاسی‌شــان را دســتوری الهی و منوط به تأیید «نایب امام زمان (عج‌اللّه تعالی فرجه)» کردند. شــاه طهماســب رســماً خطاب به محقق کرکی اعلام کرد که «تو شایســته‌تر از من به سلطنتی، زیرا تو نایب امام (علیه‌السلام) هستی و من از کارگزارانت هستم و به اوامر و نواهی تو عمل می‌کنم» (مهاجرنیا، ۱۳۸۸، ج۲: ص۱۹۳).

نظریهٔ دولت تلفیقی با سلاطین عادل مأذون، حدود دو قرن در دورهٔ صفویان و یک‌صدسال پس از آن، به‌عنوان نظریهٔ غالب تشیع مطرح بود تا آنکه در دورهٔ مدرن، در آن تحولاتی به‌وجود آمد.

۳. نسل سوم دولت‌سازی در عصر غیبت

در پایان قرن ســیزدهم، با ورود مدرنیته به جهان اســلام و به‌ویژه ایران، بــروز جنگ میان ایران و روس و ورود انگلیســی‌ها به ایران و انعقاد قراردادهای استعماری شرایطی را پدید آورد که عالمان و فقیهان بزرگ شیعی به ناچار در قبال آن واکنش‌هایی مانند نهضت تنباکو داشتند. سرسختی دستگاه ســلطنت قاجاریه در مقابل علما زمینه‌ســاز نهضت مشروطیت شــد که در آن نوعی سازش میان دستگاه سلطنت با علما پدید آورد و نظریهٔ محقق کرکی مجدداً مطرح شد؛ با این تفاوت که در دورهٔ محقق کرکی شاهان صفویه متصف به عدالت به دلخواه خود از فقیهان دعوت به همکاری کردند، درحالی‌که در دورهٔ قاجاریه با قیام علما و قتل ناصرالدین شاه، دستگاه سلطنت حاضر به تعامل شد. به همین دلیل، بیشتر دغدغهٔ علما محدود و مشروط کردن شاه بود و نظریهٔ دولت تلفیقی «فقیه‌ـشاه مشروط» مرحوم نائینی در تَنبیهُ الْاُمّة و تَنْزیهُ المِلّة فی لُزومِ مَشروطِیّـةِ الدُولَةِ الْمُنتَخَبَةِ لِتَقْلیلِ الظُّلْمِ عَلَی اَفرادِ الاُمّةِ و تَرْقِیـةِ الْمُجْتَمَع دنبال دولت‌ســازی مســتقلی بود که به دلیل عدم امکان وقوعی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

آن درصدد حضور فقیهان مشروع در دستگاه سیاست تملیکیه بود. تلاش علامه نائینی و سایر فقها این بود که ابتـدا جایگاه اعتقادی این نظریه را تثبیت کنند؛ ازایـن‌رو، علاوه‌بر تقریر نظری ولایت فقیه، اصرار داشـتند تا در قانون اساسـی، تمام مشروطیت را در بسـتر پارادایم و اندیشهٔ مهدویت کـه از مباحث کلامی اسـت، قرار دهند. بـرای این منظور در اصل دوم قانون اساسـی، هم اصل مشـروطیت را تحت توجه و تأیید امام زمان (عجل‌اللّه تعالـی فرجه) معرفی کردند و هم تصریح کردند که همهٔ قوانین و مقررات کشـور باید منطبق با مکتب اهل‌بیت (علیه‌السـلام) باشد (اصل دوم). مذهب رسـمی ایران، اسـلام و طریق حق جعفریهٔ اثنی عشریه است و پادشاه ایران هم باید (به لحاظ کلامی) معتقد و (به لحاظ فقهی) مروج این مذهب باشد (اصل اول) و عدول مجتهدان جامع‌الشرایط هم بر همهٔ امور نظارت دارند (اصل ۷۱) و دین و شریعت اصل ثابتِ قوانینِ مشروطه اسـت که هرگز نباید در آن بازنگری و تغییری صورت گیرد (اصل ۲۰ و ۲۱). اگرچه نظریهٔ تلفیقی «فقیه‌ـشاه مشروط»، در مقام عمل به‌طور کامل محقق نشد و در نطفه خفه شد، به لحاظ قانونی تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، مبنای زمامداری در ایران بود.

۴. نسل چهارم دولت‌سازی در عصر غیبت

با وقوع انقلاب اسلامی، تلاش جدیدی در دولت‌سـازی در پارادایم نیابت و جانشینی امام غایب (عجل‌اللّه تعالی فرجه) صورت گرفت. اولین جهت‌گیری در این خصوص، ارتقای معرفتی نیابت فقیه از محدودهٔ «فقه سیاسـی» به «کلام سیاسـی» بود. عبور از دیدگاه فقهی حسـبه‌گرایی نیابت را در حد «اباحهٔ تصرف در امور حسـبه» (الخویـی، ۱۳۸۵، ج ۱: ص ۳۵۶) یا «ولایت بر امور حسـبه» (شـیخ انصاری، ۱۳۷۵، ج ۳: ص ۵۵۳) به‌صورت مضیق می‌دید و گسـترهٔ نیابت را به فتـوای در احکام شـرعی و امر قضاوت محدود می‌کرد (الخویـی، ۱۳۸۵، ج ۱: ص ۳۵۶) و در شئون سیاسی گاهی در اختیارات فقیه تردید می‌شد، تا آنجا که در موضوعی مانند خراج معتقد بود یا به حاکم جائر پرداخت شـود و یا اصلاً حکم وجوب از آن برداشته شود و به‌نحو شبههٔ مصداقی، اخذ آن مباح باشد (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج۲: ص۳۵۷) و در برخی مسائل، مانند سهم امام از خمس، اجرای حدود، انفال و اقامهٔ نماز جمعه شبهه شد. این تلاش جدید به بازسازی جایگاه و «حقیقت اعتقادی» دولت نیابت از منظر اکثریت فقها اقدام کرد. برجسته‌سازی حقیقت نیابت عامه به قدری اهمیـت پیدا کرد که منکر ولایت فقیه، به‌عنوان انکار یک امر ضروری تلقی و مخالف با نظر عموم فقها محسوب شد.

ارتقای حوزهٔ «نیابت فقیه» به عرصهٔ باورهای اعتقادی و کلامی در حد «فعل الله»، این سؤال و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

دغدغه را گسترش داد که آیا خداوند درمورد حکومت در عصر غیبت دستور خاصی داده و تکلیفی معین کرده اســت یا خیر؟ اگر از حیث کلامی ثابت شــود که خداوند فقیه عادل را در عصر غیبت امــام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) بر امت ولایت داده اســت، آنگاه نتایج فقهی «وظیفهٔ فقیه» در انجام مسئولیت و «وظیفهٔ اطاعت مردم» از او در عرصهٔ فقه سیاسی مطرح می‌شود (ر.ک.: جوادی آملی، ۱۳۹۵: صص ۱۴۳ـ۱۴۱). امام خمینی (رحمةالله علیه) پیش از تحلیل ادلهٔ نقلی و استدلال فقهی حســب «قاعدهٔ کلامی لطف» معتقد اســت ولایت فقیه تداوم امامت امام عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه) اســت: «فما هو دلیل الإمامــة، بعینه دلیل علی لزوم الحکومــة بعد غیبة ولی الأمر عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲: ص ۶۱۹) و علاوه‌بر «مقام دلیل» در «مقام عمل» هم معتقدند محدودهٔ ولایت فقیه، دائر مدار فهم ولایت معصوم (علیه‌السلام) است. «فللفقیه العادل جمیع ما للرسول والائمة علیهم السلام مما یرجع الی الحکومة والسیاسة ولا یعقل الفرق» (همــان، ج ۲: ص ۴۶۷)؛ بنابراین، همان‌طور که لطف خدای متعال به بندگان اقتضا کرد که قوانین هدایت‌بخش را ازطریق پیامبر و جانشــینانش اجرا کند، همین امر مقتضی آن اســت که در عصر غیبت، امت را ســرگردان رها نکند. «اســتمرار زندگی سیاسی» و «لزوم بقای شریعت» و «ضرورت وجود امامت و رهبری» به دورهٔ حضور اختصاص ندارد؛ وجود این سه عنصر سبب شده است تا شــیوهٔ استدلال متکلمان بر ضرورت رهبری، ابتدا بر پایهٔ قاعدهٔ لطف استوار باشد (صافی گلپایگانــی، ۱۴۱۵ق: ص ۱۲؛ منتظری، ۱۳۷۴، ج ۳: صــص ۷۹ـ۷۲). امام خمینی (رحمةاللّه علیه) برای تبیین دولت اســلامی خویش به «جامعیت احکام اســلام» (همان، ج ۲: ص ۶۱۸)، «جاودانگی احکام اسلام» (همان، ج ۲: ص ۶۱۹)، «ضرورت اجرای احکام و تشکیل حکومت» (همان، ج ۲: ص ۶۱۹)، «ضرورت علم و عدالت حاکم اسلامی» استدلال کرده‌اند.

او اســتدلال بر نیابت را فراتر از روایات برد، تا آنجا که «تصور مجموعه عقاید و احکام اسلام را موجــب تصدیق ضرورت دولت و ولایت فقیــه می‌داند» (امام خمینی، ۱۳۷۵: ص ۳). با توجه به ارتقای ســطح موضوع از سطح وظیفه به سطح اعتقاد، دیگر صرف روش نقلی برای نیابت کافی نیست و بالطبع نیازمند اســتدلال عقلی است. آن‌ها در روش عقلی به دو طریق موضوع را بررسی می‌کنند که در ادامه خواهد آمد.

طریق اول: توجه به حقیقت نیابت

در این رویکرد با ابتنای اصل و فرع، به بازســازی دو پدیدهٔ «اصالت و نیابت» می‌پردازند و جایگاه و هســتی ولایت فقیه را فرع ولایت اصالی معصوم (علیه‌السلام) قرار می‌دهند و با تسری بنیادهای

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

عقلانـــی امامت به نیابت، موضوع را از دایرۀ اســـتدلال‌های رایج فقهی و نقلی خارج و به ســـمت ضروریات و بدیهیات عقلی می‌کشـــانند. به همین دلیل به طـــرح «ولایت اعتباری در ذیل ولایت تکوینی»، «نیابت در ذیل امامت»، «فقیه در ذیل امام» و «عصر غیبت در ذیل عصر حضور» روی آورده‌اند و به موارد زیر توجه شده است:

- وحدت اثباتـــی در اصل و فرع: همان دلایلی که لزوم رســـالت و امامت را اثبات می‌کند، عیناً لزوم حکومت در عصر غیبت را نیز شامل می‌شود؛ زیرا قاعدۀ عقلی تخصیص‌بردار و مخصوص زمان و مکان خاصی نیست (همان).
- وحدت قلمرو اصل و فرع: اگر فقیه عادل در عصر غیبت به‌پاخاســـت و تشـــکیل حکومت داد، همان ولایتی را دارد که حضرت رســـول اکرم (صلی‌اللّه علیه و آله و سلم) در امر ادارۀ جامعه داشت و بر همه لازم است که از او اطاعت کنند (همان).
- وحدت ضرورت اصل و فرع: این اتحاد از راه‌های مختلفی مانند مذاق شریعت، روح کلی حاکم بر احکام اسلامی و آموزه‌های دینی فهمیده می‌شود.
- عصمت اصل و عدالت فرع: طبیعت طرز حکومت اســـلامی، که حکومتی مبتنی‌بر قانون است، اقتضا می‌کند که زمامدار آن دارای دو صفت علم به قانون و عدالت باشد (همان).
- سنخ ولایت معصوم تکوینی و تشریعی است درحالی‌که ولایت نایب اعتبار عقلایی است (همان: ص ۴۱).

طریق دوم: تأکید بر ضرورت اجرای شریعت

همان‌طور که اشـــاره شد، امام خمینی با اســـتفاده از مذاق شـــریعت و روح کلی حاکم بر احکام اسلامی و آموزه‌های دینی به این نتیجه رسیده‌اند که تصور این‌ها موجب «تصدیق ضرورت ولایت فقیه و بداهت آن اســـت» (امام خمینی، ۱۳۷۵: ص ۳) و در تشـــریح ماهیت این تصور در عصر غیبت امام دوازدهم (عجل‌اللّه تعالی فرجه) و ضرورت دولت‌سازی ولایی به مواردی اشاره می‌کنند که عبارت‌اند از:

۱. اســـلام دین و قانون زندگی است که برای اصلاح و سعادت بشر آمده است (همان: صص ۱۷ـ۴).
۲. دین از سیاســـت جدا نیست و اسلام از اول ظهورش به دنبال ادارۀ جامعه و زندگی سیاسی انسان‌ها بوده است (همان: صص ۱۵ـ۱۴).
۳. تدبیر و ادارۀ جامعۀ اســـلامی نیازمند قانون الهی اســـت، اما صـــرف «قانون الهی» کافی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

نیست و جامعه نیازمند دستگاه اجرا و اداره و تشکیلات حکومتی و مؤسسات اجرایی است (همان: صص ۱۷ـ۱۵).

۴. اجرای اسلام و قوانین اسلامی و نظامات مالی، دفاعی، حقوقی و جزایی بدون تشکیلات حکومتی و حاکم اسلامی امکان‌پذیر نیست (همان: صص ۲۵ـ۲۰).

۵. بدون حکومت و تشکیلات حکومتی اختلال نظام پیش می‌آید و جامعه به هرج‌ومرج منجر می‌شود (همان: ص ۱۹).

۶. لزوم مبارزه با ستمگران و نجات مظلومان و محرومان نیازمند تشکیلات اجرایی و نظام سیاسی است (همان: صص ۲۸ـ۲۷).

۷. تشکیل حکومت برای حفظ وحدت مسلمانان ضروری است (همان: صص۲۷ـ۲۶).

۸. استمرار احکام اسلام و عمل به سنت پیامبر اسلام (صلی‌اللّه علیه و آله و سلم) و سیرهٔ امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و بقای جامعهٔ اسلامی جز با دستگاه و تشکیلات حکومتی امکان‌پذیر نیست (همان: ۲۹ـ۱۷).

۹. ضرورت عمل به حکم ارشادی روایات اسلامی در پیروی از حکم عقل نیاز به ولایت فقیه در عصر غیبت را ضروری می‌کند (همان: ص ۲۹).

استدلال به حکم عقل در ضرورت‌های یادشده نشانگر آن است که نیابت و ولایت فقیهان در عصر غیبت حکمی نقلی و تعبدی نیست، بلکه قوام ملک و ملت و ضرورت عقلی دین و زندگی به آن وابسته است.

سرانجام تحقیق

طرح اولیهٔ تحقیق با این ادعا شروع شد که اندیشه و دانش سیاسی شیعه تحت‌تأثیر غیبت امام زمان (عجل‌اللّه تعالی فرجه) بوده است. آزمون درستیِ این ادعا را بر روش هرمنوتیک قصدگرای زمینه‌محور اسکینری قرار دادیم. براساس آن، ابتدا به زمینه‌های ذهنی و عینی عالمان دورهٔ صدر غیبت اشاره شد و مشخص شد که زمینه‌های فکری و اعتقادی، الگویی از زندگی سیاسی در عصر غیبت را به نام «نیابت فقیهان» رقم زده‌اند که به‌عنوان مدل ایدئال نظم سیاسی شیعه فراروی اندیشهٔ عالمان قرار داشت و هر الگوی دیگری غیر از آن را نامشروع اعلام کرده بود؛ بااین‌حال، زمینه‌های سیاسی و تاریخی، الگویی با نام سلاطین جور به‌عنوان واقعیت و حاکمیت مسلط رقم زده بود. هر دو نوع زمینه سبب شکل‌گیری ادبیات زبانی و سیاسی و گفت‌وگوهایی دربارهٔ دو الگوی مطلوب و نامطلوب مرسوم شده بود. براساس روش تحقیق، اندیشهٔ سیاسی عالمان آن دوره تحت‌تأثیر آن

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

زمینه‌های اعتقادی و سیاســی با تصرف و بازسازی در الگوهای رایج تکوین یافت. پدیدهٔ غیبت و باور به نصوص نیابت، به‌صورت اثباتی از عالمان این دوره، نظم سیاســی فقیه‌محور را می‌طلبید و به‌صورت سلبی از آن‌ها، نفی نظم سیاسی سلطانی را درخواست می‌کرد. ادعای روشمند تحقیق آن اســت که علمای صدر غیبت، در ترسیم اندیشهٔ سیاسی خود تحت‌تأثیر این مطالبه به بازسازی آن دو هنجار اقدام کردند. نظم سیاسی نیابتیِ فقیه‌محور را در قالب «ولایت عامهٔ فقیه» بازسازی کردند و به دلیل شــرایط خفقان و انســداد موجود آن دوره و برای برون‌رفت از آن شرایط دشوار در هنجار نامشروع نظم سلطانی تصرف کردند و راه‌هایی برای تعامل با آن باز کردند. نتیجهٔ این بازسازی‌ها آن شــد که اندیشهٔ سیاسی جدید در قالب چهار دانش نص‌شناسی سیاسی، فقه سیاسی، کلام سیاسی و فلسفهٔ سیاسی، تحت‌تأثیر ماجرای غیبت سامان گرفت و گسترش یافت.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

کتابنامه

۱. ابن ادریس. ۱۳۹۰. **کتاب السرائر**. جلد ۳. قم: انتشارات اسلامی، وابسته به جامعهٔ مدرسین.

۲. امام خمینی، سید روح‌الله. ۱۳۷۵. **ولایت فقیه**. تهران: امیرکبیر.

۳. ــــــــــــــــ. ۱۳۷۶. **کتاب البیع**. جلد ۲. تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام.

۴. الخوئی، ابوالقاسم،۱۳۸۵، **الموسوعه الامام الخوئی**، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

۵. جوادی آملی. عبدالله. ۱۳۹۵. **ولایت فقیه ولایت عدالت و فقاهت**. قم: مرکز نشر اسراء.

۶. حلی، حسن‌بن یوسف. ۱۴۱۲. **تذکرة الفقهاء**. قم: مؤسسهٔ آل البیت لاحیاء التراث.

۷. ــــــــــــــــ. ۱۴۱۳. **مختلف الشیعه**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.

۸. ربانی گلپایگانی، علی. بی‌تا. **خلافت و امامت در کلام اسلامی**. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.

۹. شهید ثانی. ۱۴۱۳. **مسالک الافهام**. جلد ۱. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

۱۰. شیخ انصاری، مرتضی‌بن محمد امین. ۱۳۷۵. **المکاسب المحرمه**. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۱۱. شیخ مفید، محمدبن نعمان. ۱۳۷۱ق. **تصحیح الاعتقادات**. تبریز: بینا.

۱۲. ــــــــــــــــ. ۱۴۱۳. **المقنعه**. قم: کنگرهٔ جهانی هزاره شیخ مفید.

۱۳. ــــــــــــــــ. ۱۴۱۴الف. **الافصاح فی الامامة، سلسله مولفات المفید**. جلد ۸. بیروت: دارالمفید. الطبعة الثانیه.

۱۴. ــــــــــــــــ. ۱۴۱۴ب. **اوائل المقالات، سلسله مولفات المفید**. جلد ۷. بیروت: دارالمفید. الطبعة الثانیه.

۱۵. ــــــــــــــــ. ۱۴۱۴ج. **النکت الاعتقادیه، سلسله مولفات المفید**. جلد ۱۰. بیروت: دارالمفید.

۱۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. ۱۴۱۵ ق. **ضرورة وجود الحکومه او ولایه الفقهاء فی عصر الغیبه**. قم: بی‌نا.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

۱۷. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. ۱۴۱۷. **الغیبة**. قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه. الطبعة الثانیه.
۱۸. علم الهدی، سید مرتضی. ۱۴۱۲. «**المقنع فی الغیبة**». تحقیق السید محمد علی الحکیم. تراثنا. السنة السابعة. ش ۲۷. ربیع الاخر.
۱۹. ـــــــــــــــ. ۱۳۸۳. **امامت و غیبت (المقنع فی الغیبه)**. قم: انتشارات مسجد جمکران.
۲۰. فارابی، ابونصر. ۱۳۴۸. **احصاءالعلوم**. ترجمهٔ حسین خدیو جم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۱. ـــــــــــــــ. ۱۹۶۴م. **السیاسة المدنیة**. تحقیق و تعلیق دکتر فوزی متری نجار. بیروت: مطبعة الکاثولیکیه.
۲۲. ـــــــــــــــ. ۱۹۶۷م. **الملّة**. تحقیق دکتر محسن مهدی. بیروت: دارالمشرق.
۲۳. ـــــــــــــــ. ۱۹۷۱م. **فصول منتزعة**. تحقیق دکتر فوزی متری نجار. بیروت: دارالمشرق.
۲۴. ـــــــــــــــ. ۱۹۹۰م. **الحروف**. تحقیق دکتر محسن مهدی. بیروت: انتشارات دارالمشرق.
۲۵. ـــــــــــــــ. ۱۹۹۱م. **آراء اهل المدینة الفاضلة**. تحقیق از البیر نصری نادر. بیروت: دارالمشرق.
۲۶. ـــــــــــــــ. ۱۴۰۳ق. **تحصیل السعادة**. تحقیق دکتر جعفر آل یاسین. بیروت: دارالاندلس.
۲۷. کاشف الغطاء، محمد حسین. بی‌تا. **الفردوس الاعلی**. تعلیق محمد علی قاضی طباطبائی. تبریز: دار أنوار الهدی.
۲۸. محقق حلی، نجم‌الدین جعفربن الحسن. ۱۴۰۹. **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**. تهران: نشر استقلال.
۲۹. محقق کرکی. ۱۴۰۸. **جامع المقاصد**. جلد ۲. قم: مؤسسهٔ آل البیت (ع). چاپ اول.
۳۰. ـــــــــــــــ. ۱۴۰۹. **رسائل الکرکی**. تحقیق الشیخ محمد الحسون با إشراف السید محمود المرعشی. قم: مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی.
۳۱. ـــــــــــــــ. بی‌تا. **نفحات اللاهوت فی لعن الجبت و الطاغوت**. تقدیم: محمد هادی امینی. تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

۳۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۵. **آشنایی با علوم اسلامی، بخش کلام**. قم: انتشارات اسلامی.
۳۳. مهاجرنیا، محسن. ۱۳۷۷. «فقه و رهبری در اندیشهٔ سیاسی فارابی». قم: فصلنامهٔ علوم سیاسی، وابسته به دانشگاه باقرالعلوم (ع). شمارهٔ ۱.
۳۴. ـــــــــــــ ۱۳۹۷. «**تلاقی سه دانش سیاسی اسلامی و تحول نظریهٔ ولایت فقیه**». فصلنامهٔ علوم سیاسی، وابسته به دانشگاه باقرالعلوم (ع). تابستان. شمارهٔ ۸۲.
۳۵. ـــــــــــــ ۱۳۸۰الف. **اندیشهٔ سیاسی فارابی**. قم : بوستان کتاب.
۳۶. ـــــــــــــ ۱۳۸۰ب. **دولت در اندیشهٔ سیاسی فارابی**. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی دانش و اندیشهٔ معاصر.
۳۷. ـــــــــــــ ۱۳۸۸، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان ۳ جلد ، تهران : پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۸. منتظری، حسینعلی. ۱۳۷۴. **البدر الزاهر (تقریرات درس آیت‌الله بروجردی)**. قم: مکتب آیه الله العظمی المنتظری
۳۹. نجفی، محمد حسن. ۱۹۸۱م. **جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام**. تحقیق عباس قوچانی. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۴۰. نراقی، احمد، ۱۴۱۵ق، **مستند الشیعه ، قم :** مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.4.2]
[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]